

تاریخ

صادق رخ‌فرد

دبیر گروه تاریخ



این روزها که عده‌ای دنبال پاک کردن واقعیت‌های تاریخی یا انکار آن هستند تا بتوانند جای شهید و جلاذ را عوض کنند، با مرور مستند تاریخ باید تا حد امکان مانع آن شد. افرادی که در دوره قدرت خود مخالف آزادی بودند و جواب آزادی بیان و سخنان حق را با شکنجه و توهین می‌دادند حالا بعد سال‌ها می‌توانند سر از لانه خود در آورده‌اند و شعار زن، زندگی، آزادی می‌دهند اما واقعیت‌ها را نمی‌گویند که چه بلاهایی بر سر زنان و مردانی آوردند که دنبال آزادی و حق بودند. یکی از نمونه آنها پرویز ثابتی است. کسی که شکنجه‌های دردناک را در ساواک رواج داد و گوشت سوخته انسان در شکنجه‌گاه‌های ساواک برای او همچون عطر مطبوع بود. شکنجه‌گر را بهتر بشناسیم زندگی وی را خلاصه مرور می‌کنیم.

آقای شکنجه‌گر پرویز ثابتی

برآمده از خانواده‌ای بهایی
 پرویز ثابتی متولد ۱۳۱۵ بوده که در خانواده‌ای بهایی به دنیا آمد. وی برای امکان استخدام به‌عنوان دبیر، شناسنامه خود را مخدوش کرده است. پرویز ثابتی در ۱۵ تیر ۱۳۳۸ به‌صورت روزه‌مزد موقت به استخدام ساواک درآمد و در اداره کل سوم این سازمان مشغول به کار شد. او در ۲۵ بهمن ۱۳۴۳ به اداره کل یکم منتقل شد. معرف وی برای عضویت در ساواک ضرابی، مدیر کل وقت اداره نهم این سازمان بود. ثابتی با اخذ معافیت کفالت از گذراندن سربازی معاف شد و در ۱۴ دی ۱۳۴۰ به عضویت رسمی ساواک درآمد و در ۸ مهر ۱۳۴۳ به دستور نخست‌وزیر به معاونت سازمان رهبری جوانان منصوب شد. پرویز ثابتی در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۵ مجدداً به اداره کل سوم ساواک بازگشت و ریاست بخش احزاب را برعهده گرفت. وی مدارج ترقی را در سازمان ساواک طی کرد؛ در ۲۳ مرداد ۱۳۴۵ به ریاست اداره یکم اداره سوم ساواک و در ۲۳ اسفند ۱۳۴۸ به معاونت دوم اداره کل سوم و در اداره کل سوم و در ۲۳ فروردین ۱۳۵۲ به مدیر کلی سوم ساواک منصوب شد و تا هفتم آبان ۱۳۵۷ که برکنار شد و به مشاورت رئیس ساواک انتخاب گردید این سمت را در اختیار داشت نقطه عطف ترقی پرویز ثابتی در ساواک، ترور تیمور اختیار فرماندار نظامی تهران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و نخستین رئیس ساواک در ۲۱ مرداد ۱۳۴۹ در بغداد به دست مأموران ساواک بود. با اجرای این ترور، پرویز ثابتی، معاون اداره کل سوم که از طراحان آن به شمار می‌رفت، مورد توجه محمدرضا پهلوی قرار گرفت.

ترقی با مقام امنیتی

در اوایل دی ۱۳۴۹ ثابتی در چند مصاحبه تلویزیونی شرکت کرد و در آن به‌عنوان مقام امنیتی کشور از کشف یک توطئه بزرگ خبر داد. وی در این مصاحبه‌ها بسیار قاطع و با اعتماد به نفس سخن می‌گفت و همین مصاحبه‌ها و عنوان «مقام امنیتی» برایش اعتبار بسیاری نزد حکومت پهلوی به همراه آورد. ثابتی در چهارم آبان ۱۳۴۹ با حکم محمدرضا پهلوی به سمت آجودان کشوری وی منصوب شد. در همین دوران در فهرست ۱۸ نفره محافل خصوصی محمدرضا پهلوی قرار گرفت. ارتشبد حسین فردوست و ارتشبد نعمت‌الله نصیری نیز در رأس این فهرست بودند. در مهر ۱۳۴۹ به دستور سپهبد مقدم مدیر کل وقت اداره سوم ساواک کمیته‌ای به منظور بررسی اقدامات مخالفان حکومت در دانشگاه‌ها زیر نظر ناصر مقدم و پرویز ثابتی تشکیل شد اما در عمل این کمیته تنها به وضعیت دانشگاه‌ها پرداخت و در سایر امور مخالفان حکومت نیز فعالیت می‌کرد. این کمیته موفق به مقابله با گروه سپاهکل شد. در این دوران با آغاز تحکات مسلحانه شهری علیه حکومت پهلوی، کمیته دیگری نیز در زندان اوین به سرپرستی هوشنگ ازغندی و کمیته‌ای نیز در شهربانی فعالیت می‌کرد که فعالیت این سه کمیته به ناهماهنگی بین دستگاه‌های نظامی انتظامی و امنیتی پهلوی و بعضاً به درگیری بین این کمیته‌ها در سطح شهر منجر می‌شد. برای رفع این ناهماهنگی‌ها در بهمن ۱۳۵۰، به دستور محمدرضا پهلوی از ادغام این سه کمیته کمیته مشترک ضد خرابکاری زیر نظر ناصر مقدم و پرویز ثابتی با الگوبرداری از کمیته‌های مشابه در امریکای لاتین تشکیل گردید.

همه کاره ساواک

در ۲۳ فروردین، ۱۳۵۲ ارتشبد نعمت‌الله نصیری رئیس وقت ساواک پرویز ثابتی را به مدیر کلی اداره سوم ساواک منصوب کرد و وی عملاً همه کاره ساواک شد. ثابتی با نام رمز «بامداد» در همه عملیات پر سر و صدای ساواک بین سال‌های ۱۳۵۲-۱۳۵۶ نقش اصلی داشت. شبکه ساواک در وزارتخانه‌ها، سازمان‌های دولتی و حتی بخش خصوصی زیر نظر مستقیم او عمل می‌کرد و کار امنیت داخلی یکسره در دستان وی بود با ارتقای مقام پرویز ثابتی و تشکیل کمیته مشترک ضد خرابکاری، وی از ارکان و طراحان اصلی ساواک به شمار می‌رفت؛ به گونه‌ای که نام وی با عنوان «ساواک» لازم و ملزوم یکدیگر شناخته می‌شدند. از طرح‌هایی که اوایل فروردین ۱۳۵۴ به دستور پرویز ثابتی به اجرا درآمد اعدام دسته جمعی نه نفر از اعضای گروه جزئی در تپه‌های زندان اوین بود. این عده به دستور پرویز ثابتی و در پاسخ به ترور سرتیپ زندی‌پور رئیس وقت کمیته مشترک ضد خرابکاری در تپه‌های زندان اوین، در حالی که دستان و چشمانشان بسته بود به رگبار گلوله بسته شدند.

رواج شکنجه و شلاق

با تشکیل کمیته مشترک ضدخرابکاری و حتی پیش از آن در کمیته‌ای که در اداره کل سوم زیر نظر مقدم و ثابتی اداره می‌شد، شکنجه و شلاق در ساواک معمول گردید. پرویز ثابتی برای گذراندن دوره‌های آموزشی در زمینه مبارزه با تروریسم به سرزمین‌های اشغالی فلسطین و ایالات متحده امریکا سفر کرد و پس از بازگشت، آنچه را که از سرویس امنیتی رژیم صهیونیستی و امریکا آموخته بود، در ساواک به کار بست. وی به‌قدری در این زمینه تبحر یافت که از او به‌عنوان حرفه‌ای‌ترین عضو ساواک در مبارزه با تروریسم یاد می‌شد. نام مستعار ثابتی در این روزها پرویز غفار پور بود. با تسلط ثابتی بر اداره کل سوم ساواک، سایه اقتدار این سازمان و شخص ثابتی در همه عرصه زندگی ایرانیان سطره یافت و بر آن سنگینی کرد. از جمله حوادثی که با نام ثابتی پیوند خورده است، قتل جوان بیگناهی با نام خانوادگی ظروفچیان در مغازه کفش‌فروشی در خیابان شاه‌عباس تهران- قائم‌مقام فعلی- در روز ۱۸ اسفند ۱۳۵۴ به‌دست محافظ همسر پرویز ثابتی بود که با وجود جو رعب و اختناق که آن زمان بر ایران حاکم بود، در جامعه انعکاس یافت. البته محاکمه‌ای نیز برای قاتل در کار نبود و خون آن فرد بیگناه نیز لوث گردید و به بایگانی سپرده شد.

سوءاستفاده از موقعیت در ساواک

اداره کل سوم ساواک به ریاست ثابتی، مسئول اظهارنظر و تصفیه نهایی نامزدهای مقامات سیاسی کشور در دوره پهلوی دوم بود و در انتصاب افراد به مقامات دولتی و پست‌های کلیدی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی نقش مهمی ایفا می‌کرد. بنابراین نفوذ ثابتی گسترش یافت؛ به‌حدی که در انتخاب وزیران و نمایندگان مجلس شورای ملی نیز گزارش منفی ساواک برای جلوگیری از انتصاب فرد مورد نظر کافی بود.

ثابتی به مدد پرونده‌های موجود در محل کارش نقاط ضعف مهره‌های حکومت را بخوبی می‌شناخت و هر یک را هر از گاهی برای ادای توضیحات به ساواک احضار می‌کرد. گزارش‌های ثابتی درباره فساد مالی قدرتمندان کشور اعم از سران سیاسی اقتصادی و نظامی کشور، حتی فعالیت‌های غیرقانونی اعضای خاندان سلطنت را نیز دربرمی‌گرفت. این گزارش‌ها در اختیار محمدرضا پهلوی قرار داده می‌شد و گفته می‌شد گاهی نیز خشم وی را برمی‌انگیخت. البته این گزارش‌ها به بایگانی سپرده می‌شد و تنها به‌عنوان ابزاری برای ثابتی و ساواک برای سطره بیشتر بر دولت‌مردان پهلوی درآمده بود.

رفیق هویدا

ثابتی از حمایت امیرعباس هویدا نخست‌وزیر سیزده ساله پهلوی دوم، برخوردار بود و از دوستان نزدیک نخست‌وزیر به‌شمار می‌آمد و در جلسات هفتگی خود با او اطلاعات به‌دست آمده را در اختیار نخست‌وزیر قرار می‌داد که یکی از عوامل دوام و بقای دولت‌های سیزده ساله هویدا را همین اطلاعات کسب شده توسط ثابتی دانسته‌اند. ثابتی بسیار جاه‌طلب و زیاده‌خواه بود. وی به‌رغم دوستی‌اش با امیرعباس هویدا در دولت وی پست وزارت را نپذیرفت و گفت: بود که منوچهر آرمون که در سلسله مراتب ساواک، چندین رتبه از او پایین‌تر است، معاون نخست‌وزیر شده است، پس سمت وزارت برای وی ارزشی نخواهد داشت.

تحویل دانشجویان خارج از کشور به شکنجه‌گاه‌های ساواک

نفوذ و قدرت ثابتی به‌حدی بود که در امور نمایندگی‌های ساواک در خارج از کشور که از حدود اختیارات اداره کل متبوع وی خارج بود نیز مداخله می‌کرد. ثابتی دستگاه جاسوسی ساواک را با همکاری سازمان سیا و به کمک سرویس رژیم صهیونیستی در تمام نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور گسترش داد. وی بارها دانشجویان مخالف حکومت را با کمک کشورهای غربی دستگیر کرد و برخلاف مقررات بین‌المللی به شکنجه‌گاه‌های ساواک تحویل داد. ثابتی که در اسرائیل و امریکا دوره تخصصی گذرانده بود، ترجیح می‌داد با استفاده از شیوه‌های روانشناختی به مخالفان حکومت حمله کند. بیشتر حریفان وی تحصیلکرده بودند. به همین دلیل ثابتی را یکی از متخصصان پرونده‌های اهل قلم مخالف حکومت می‌دانستند و هر اهل قلمی که از نگاه ساواک سر به راه نبود، خاطره و تجربه‌ای از وی داشت.

لذت بردن از بوی گوشت سوخته مبارزین

البته این تبحر مانع این نبود که ثابتی هنگام بازجویی از مخالفان حکومت تنها به اعمال شکنجه‌های روحی بسنده کند، بلکه وی بارها مرتکب اعمال شکنجه‌های جسمی بر متهمان خود شده بود. گفته می‌شود وی از استشمام بوی سوختن گوشت قربانیانش که روی اجاق برقی نشانده بود، لذت می‌برد و پس از شکنجه



اصرار به استفاده از تانک و مسلسل برای کنترل انقلابی‌ها

با اوج‌گیری حرکت مردم مسلمان ایران بر ضد حکومت پهلوی، ثابتی از طرفداران سرسخت سیاست سرکوب تظاهرات مخالفین بود. وی اواسط بهار ۱۳۵۷ به وسیله هویدا، پیامی به محمدرضا پهلوی فرستاد و از او خواست عنان کار کشور را در اختیارش بگذارد تا به حرکت مردم پایان دهد. پیشنهاد ثابتی به شاه برای کنترل نظام کشور عبارت بود از: اعلام حکومت نظامی، انحلال مجلسین، اخراج خبرنگاران خارجی از ایران و بستن سفارت کشورهای انگلیس و امریکا در تهران و برخورد قاطع با روحانیون و دستگیری ۱۵۰۰ نفر از مخالفان عمده حکومت پهلوی. محمدرضا پهلوی نیز از طرح وی استقبال کرد اما در نهایت تنها با بازداشت ۳۰۰ نفر از این فهرست موافقت کرد. پس از موافقت شاه تعدادی از رجال پهلوی از جمله امیرعباس هویدا، نعمت‌الله نصیری و ننی چند از مقامات به عنوان مبارزه با فساد بازداشت شدند. وی در طرح خود مبنی بر برخورد سرسختانه با مخالفان رژیم تا آنجا پیش رفت که در حوادث بهمن ۱۳۵۶ اصرار داشت از تانک و مسلسل برای کنترل انقلابی‌ها استفاده شود زیرا معتقد بود دیگر با زندانی کردن و مذاکره، راهی به جایی نمی‌برند. او معتقد بود که انجام اصلاحات در ساختار سیاسی و دادن آزادی‌های سیاسی به مخالفان رژیم سبب می‌شود که مخالفان این عقب‌نشینی را ناشی از ترس رژیم بدانند و در اقدامات خود جسورتر شوند.

